



تبیین عملکرد و مقایسه دولت سازندگی و دولت عدالت محور بر شکار طبقاتی

فرامرز نعمتی میری^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۰۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۲۸ رضا شیرزادی^۲

میرابراهیم صدیق^۳

چکیده

هدف اصلی مقاله حاضر تبیین عملکرد دوره سازندگی و مقایسه آن با عملکرد دوره عدالت محور و تأثیر آن‌ها بر فاصله طبقاتی می‌باشد. بعد از شکل‌گیری انقلاب اسلامی دولت‌های متفاوت سکان اجرایی کشور را به دست گرفتند و تاکنون برنامه‌های کلان و متغیری به‌کاررفته شده که تأثیر آن شکاف طبقات در جامعه در نوسان بوده است. اقتصاددانان جمعیت هر جامعه را به لحاظ درآمد و مصرف به ده رتبه تقسیم‌بندی می‌کنند و هر یک از این رتبه‌ها را دهک می‌نامند، دهک اول کمترین درآمد و مصرف را دارند و در نقطه مقابل دهک دهم بیشترین درآمد و مصرف سالانه را دارند. میزان درآمد بین هر دهک را فاصله طبقاتی می‌گویند. فاصله طبقاتی یکی از معضله‌های اصلی جامعه است که می‌تواند کشور را با بحران مواجه سازد. در این راستا این سؤال مطرح است که عملکرد اجرایی دولت هاشمی و دولت احمدی‌نژاد چه تأثیری بر فاصله طبقاتی داشته است. در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که در دولت سازندگی و عدالت محور با رویکردهای متفاوت و اعمال تفکرات شخصی و جناحی در مسیر توسعه و برنامه‌های توسعه‌ای به عدالت اجتماعی و رفع محرومیت به‌صورت متفاوت نگرینده شده است که بهبود این روند را با معضلاتی مواجه ساخته است.

کلمات کلیدی

عملکرد اقتصادی، مقایسه، دولت سازندگی، دولت عدالت محور، فاصله طبقاتی

۱-دانشجو دکتری حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی کرج، ایران. faramarznemati23@gmail.com

۲-استادیار علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی کرج، ایران. shirzadi2020@yahoo.com

۳-استادیار علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی کرج، ایران. e.seddigh@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

یکی از مشکلات اساسی بعد از انقلاب اسلامی فاصله طبقاتی در جامعه بوده است. تأثیر دولت‌ها با اجرای برنامه‌های اقتصادی این فرایند را با نوساناتی روبرو ساخته است. شکاف طبقاتی به نوعی شکاف گفته می‌شود که در جامعه نوعی قشربندی صورت می‌گیرد که جامعه را از نظر جمعیتی به چند گروه و طبقه متفاوت تقسیم می‌کند که اصطلاحاتی همچون شمال و جنوب، بالا و پایین به وجود می‌آید و افراد به خاطر عدم دسترسی از یکسری مزایا در جامعه محروم می‌شوند این تبعیض بیشتر متوجه قشر پایین جامعه است. مفهوم تفاوت‌ها و نابرابری‌های طبقاتی هنگامی که منابع عمده اجتماعی و اقتصادی و ابزار قهریه در دست یک گروه قرار داشته باشد سیستمی از قشربندی و سلسله‌مراتب به وجود می‌آید، استفاده از امتیازات و مزایای این سیستم احتمال افزایش موقعیت برتر و کنترل بیشتر بر منابع و فرصت‌ها را برای یک قشر فراهم آورده و درنهایت در سطح خرد و کلان اجتماعی منجر به افزایش قدرت و برتری یک طبقه در رابطه با طبقه دیگر می‌گردد. باید دانست برنامه‌های متفاوت دولت‌ها در به وجود آمدن فاصله طبقاتی بسیار موثر است. رویکرد متفاوت دولت‌سازندگی و دولت‌عدالت‌محور بر مؤلفه‌های مؤثر بر فاصله طبقاتی، عدالت اجتماعی، توزیع درآمد، تورم و رانت سؤال‌های فراوانی را به وجود می‌آورد. با توجه به راهبرد انقلاب اسلامی مبنی بر امحای نظام سرمایه‌داری و ایجاد یک اقتصاد مبتنی بر عدل و قسط و راهبرد گسترش عدالت توزیعی عملکرد دولت‌سازندگی و مهرورزی چه تأثیری بر کاهش فاصله طبقاتی داشته است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که در دولت‌سازندگی و عدالت‌محور با رویکردهای متفاوت و اعمال تفکرات شخصی و جناحی در مسیر توسعه و برنامه‌های توسعه‌ای به عدالت اجتماعی و رفع محرومیت به صورت متفاوت نگریسته شده است که بهبود این روند را با معضلاتی مواجه ساخته است. اهمیت این موضوع وقتی دوچندان می‌شود که بدانیم توزیع ناعادلانه درآمد به واسطه آثار اقتصادی تبعات اجتماعی متعددی به همراه خواهد داشت و بستر مناسبی برای پیدایش بسیاری از آسیب‌های اجتماعی است. توزیع ناعادلانه درآمد به سود گروهی خاص از افراد جامعه بوده و فراهم شدن رفاه و امکانات بیشتر برای آن‌ها موجب می‌شود سایر اقشار نیز درصدد افزایش سطح درآمد و رفاه خود باشند و گاه تلاش برای رسیدن به این هدف می‌تواند با بروز ناهنجاری‌های اجتماعی همراه شود. در این پژوهش برای واکاوی و تبیین این فرایند در این دو دوره ابتدا مؤلفه‌های مؤثر بر فاصله طبقاتی، بررسی عملکرد برنامه‌ها و سیاست‌های دولت‌سازندگی و عدالت‌محور، شناخت اهداف و تأثیر برنامه‌ها، رویکردهای اقتصادی آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی است که به صورت بسیار منسجم به علت فاصله طبقاتی در این

دو دوره پرداخته است.

پیشینه پژوهش

پرجمی، داورد؛ درخشان، فاطمه (۱۴۰۰) در تحقیق خود به‌عنوان شکاف اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن شکاف اجتماعی را در گسست بین افراد و نهادها و گروه‌های اجتماعی دانسته که ریشه در منافع، ارزش‌ها و موقعیت آن‌ها دارد. این گسست می‌تواند منجر به شکل‌گیری گروه‌ها و نیروهای متعارض که برای اعضای خود هویت جمعی قایلند شود. محققان با گردآوری داده‌ها به‌صورت پرسشنامه‌ای با نمونه‌گیری تصادفی، نتیجه پژوهش خود را شکاف در ارزش‌های فرهنگی (۲/۱۶)، سیاسی (۲/۲۲) و نسلی (۲/۱۵) بیشتر از سایر شکاف‌های جامعه دانسته است؛ و از نقاط ضعف پژوهش کم‌توجهی به شکاف طبقاتی است.

کاری و ابراهیم نیا (۱۳۹۵) در تحقیق خود با عنوان جامعه‌شناسی طبقات در ایران، شکاف‌ها و تضادها طبقه را ارزش‌های مشترک، منزلت اجتماعی معین، فعالیت‌های دسته‌جمعی، میزان ثروت و دیگر دارایی‌های شخصی دانسته‌اند. در این پژوهش شاخص‌های تعیین طبقه اجتماعی در جوامع پیشرفته، تفاوت طبقه اجتماعی با قشربندی و منشأ تاریخی طبقه و نگاهی کلی به تعریف طبقه از نظر اندیشمندان داشته است. کاری از جهانی بودن نابرابری اجتماعی، چنین برداشتی دارد که در ساختار اجتماعی ویژگی عمومی وجود دارد که منشأ این نابرابری است.

نادری و هوشنگی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان وضعیت محرومیت و فاصله طبقاتی در دوره پهلوی دوم، واکاوی عوامل و زمینه‌ها، به تحلیل سیاسی و اجتماعی برخی موارد مهم چون عوامل گسترش فقر و محرومیت و افزایش فاصله طبقاتی پرداخته‌اند و مضمون‌های اصلی ذیل را در ایجاد زمینه‌های افول اقتصاد ایران و کیفیت معیشت جامعه به دست آورده‌اند، مثلاً عنوان نموده‌اند که مشکل ساختاری اصلاحات ارضی که با هدف کاستن نقش فئودال‌ها صورت گرفت به طبقه رعیت کمکی نکرد و عملاً محرومیت با شکل‌های جدید ادامه پیدا کرد و موارد دیگر که نویسندگان این مقاله به‌صورت منسجم به موضوع پرداخته‌اند که نقطه قوت مقاله می‌باشد.

مهم‌ترین جنبه نوآوری: جنبه نوآوری در این تحقیق بررسی فاصله طبقاتی در دولت سازندگی و دولت عدالت محور و تأثیر سیاست‌ها و مقایسه آن‌ها نسبت به این فرآینداست، مقالات دیگر بیشتر جنبه کلی شکاف طبقاتی بررسی شده است و تاکنون مقاله‌ای با این عنوان چاپ نشده است.

چارچوب نظری پژوهش

شکاف طبقاتی: کلمه شکاف نسبت به واژه‌های انشعاب از محدوده خاص‌تری برخوردار است.

تعارضات و ستیزها تعبیری عام‌تر از مفهوم شکاف است (بشیریه، ۱۳۷۴: ۸-۳) شاید شکاف طبقاتی را بتوان بدترین نوع شکاف در یک جامعه دانست چراکه شکاف طبقاتی زمینه‌ساز سایر شکاف‌ها نیز خواهد شد و در همه حوزه‌ها از جمله اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره نفوذ خواهد کرد. شکاف طبقاتی به نوعی شکاف گفته می‌شود که با ایجاد نوعی قشربندی، اصطلاحاتی همچون شمال و جنوب بالا و پایین به وجود می‌آید و افراد به خاطر عدم دسترسی از یک سری مزایا در جامعه محروم می‌شوند و این تبعیض بیشتر متوجه قشر پایین جامعه است. هنگامی که منابع عمده اجتماعی و اقتصادی و ابزار قهریه در دست یک گروه قرار داشته باشد سیستمی از قشربندی سلسله‌مراتب به وجود می‌آید، استفاده از امتیازات و مزایای این سیستم احتمال افزایش موقعیت برتر و کنترل بیشتر بر منابع و فرصت‌ها را برای یک قشر فراهم می‌آورد. (شهبازی، ۱۴۰۰: ۲۹) کارل مارکس مالکیت خصوصی را عامل اساسی پیدایش شکاف طبقاتی و نابرابری بین مردم دانسته است و این شکاف همیشه در طول تاریخ بین طبقه مالک و آن‌ها که مالک نیستند وجود داشته است از دیدگاه مارکس در چارچوب هر شیوه تولید روابط و مناسباتی بر مبنای مالکیت شکل می‌گیرد که متضمن نابرابری‌های طبقاتی است. ویلفردو پارتو: نابرابری را به مساوات راهی برای تعادل اجتماعی می‌دانست. پارتو معتقد است مشکل افزایش رفاه طبقات فقیر بیشتر یک مشکل تولید و نگهداری ثروت است تا یک مشکل توزیع، مطمئن‌ترین وسیله برای بهبود شرایط طبقات فقیر آن است که کاری کنیم تا ثروت سریع‌تر از تعداد جمعیت افزایش یابد. در تحقیقات داخل کشور نشان داده شده است که سیاست‌های کلان اقتصادی که موجب تورم و نبود فرصت‌های شغلی و افزایش بیکاری شده عدم توجه به فراگیری رشد اقتصادی، پایین بودن تحرک درآمدی در دهک‌های پایین، درآمد پایین شاغلان، ضعف در سازوکارهای نظارتی، اثربخشی در طرح‌های حمایتی و اشتغال‌زایی، دسترسی نامتوازن به تسهیلات بانکی، مهاجرت نامناسب و برنامه‌ریزی نشده درون کشور، افزایش ناگهانی و بی‌رویه نرخ ارز و تورم حاصل از آن را در کشور عنوان کرده است.

توزیع درآمد: توزیع درآمد از مباحث مهم اقتصادی و ارتباط نزدیک با مفهوم رفاه دارد و رفاه مفهومی است که با احساس ادراک و تجربه ارتباط دارد. (شکوهیار، ۱۳۹۵: ۹-۵) مفهوم رفاه با شرایط تجربی و کارکردی می‌توان آن را در قالب بحث توزیع درآمد تحلیل کرد. بدیهی است که انواع درآمد ایجادشده از اقتصاد چون دستمزد بهره و سود باید به‌نوعی بین واحدهای اقتصادی جامع توزیع شود که

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۷، شماره ۵۷، زمستان ۱۴۰۰

با ساماندهی مناسب توزیع درآمد در جهت کاهش نابرابری و افزایش رفاه عمل کند. دولت‌ها جهت توزیع مطلوب درآمدها از ابزارهای متفاوتی چون انواع هزینه‌های دولتی و مالیات‌ها استفاده می‌کنند و اجرای هرگونه سیاست مالی می‌تواند آثار متفاوتی بر توزیع درآمد برجای بگذارد، دولت می‌تواند به نحوی توزیع مجدد درآمدها را تنظیم نماید که باعث افزایش درآمد فقرا و تعدیل درآمد ثروتمندان شود، توزیع درآمد را به‌وسیله ضریب جینی ارزیابی می‌کنند.

ضریب جینی: یک واحد اندازه‌گیری پراکندگی آماری است که معمولاً برای سنجش میزان نابرابری در توزیع درآمد یا ثروت در یک جامعه آماری استفاده می‌شود. این ضریب با نسبتی تعریف می‌شود که ارزش بین صفر و یک دارد. هرچه عدد، نزدیک به صفر باشد، برابری درآمد را مشخص می‌کند. و اگر ضریب جینی برابر با عدد صفر باشد یعنی همه درآمد و ثروت یکسان دارند، اگر برابر با عدد یک باشد یعنی نابرابری مطلق به‌گونه‌ای که تنها ثروت کشور در دست یک نفر است و مابقی هیچ درآمدی ندارند. معمولاً دو عدد مطلق در هیچ کشوری تحقق نمی‌یابد. ضریب جینی را به راحتی می‌توان با سراسر کشور مقایسه کرد و چگونگی تغییرات درآمدی بین فقیر و ثروتمند را نشان داد (جاللی، ۱۳۸۷: ۵-۳).

رانت: رانت به معنای بهره مالکانه کرایه و اجاره است، رانت‌جویی فرایندی است که طی آن یک فرد، نهاد یا گروه صاحب اطلاعات فرصت‌ها و امتیازهایی می‌شود که دیگران از آن بی‌بهره‌اند و با تصاحب این فرصت به سرمایه‌های مالی و موقعیت‌های ممتاز سیاسی فرهنگی، اجتماعی دست می‌یابند. در رانت نوعی ارتکاب به فساد نهفته است، یک نوع استفاده آگاهانه از امتیازات ویژه که دیگران در شرایط مساوی از آن بهره ندارند. رانت را با توجه به منشأ ایجادکننده آن‌ها می‌توان به گروه‌های مختلف. اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، اطلاعاتی، تقسیم‌بندی کرد.

تورم: تورم ناشی از وضعیتی است که سطح عمومی قیمت‌ها به‌صورت مداوم و به‌مرورزمان افزایش می‌یابد. (مهرآرا، ۱۳۹۵: ۱۵-۳) هرگاه حجم پول در اقتصاد بالا رود قیمت‌ها نیز به همان نسبت افزایش خواهد داشت. تحلیل افزایش متناسب قیمت‌ها به این صورت است که افزایش حجم پول سبب می‌شود که در اقتصاد نسبت به مقداری که برای مبادله در اشتغال کامل لازم است اضافه پول به وجود آید. ذخایر پولی تدریجاً خرج می‌شوند و از آنجایی که سطح محصول و سرعت گردش پول در اقتصاد ثابت می‌باشد سطح عمومی قیمت‌ها به همان میزان افزایش می‌یابد تا این که ذخایر اضافی از بین برود. (حسین عبدالی، ۱۳۹۵: ۲۷).

انقلاب اسلامی و شکاف طبقاتی

سیاست‌های دولت در زمینه شکاف طبقاتی، مبارزه با فقر و نابرابری اجتماعی و نابرابری در توزیع درآمد در دوره بعد از انقلاب به استناد قانون اساسی راهبردهای دوگانه جمهوری اسلامی مشخص شده است.

الف- راهبرد امحای نظام سرمایه‌داری و ایجاد یک اقتصاد مبتنی بر عدل و قسط.

ب- راهبرد عدالت توزیعی از طریق آموزش و بهداشت رایگان، توجه به توسعه روستایی بر پایه گسترش نظام تأمین اجتماعی و کمک‌های حمایتی دولت در کاهش فقر و بهبود محیط کسب‌وکار و فراهم ساختن زمینه سرمایه‌گذاری خصوصی در کشور و اعتلای رشد اقتصادی و توانمندسازی فقرا، ایجاد فرصت‌های مناسب و امنیت لازم برای آن‌ها برنامه‌ریزی شده است. (هادی زوز، ۱۳۸۵: ۲۰-۷).

اصول قانون اساسی مؤثر بر عدالت اجتماعی: در قانون اساسی مصوب آذرماه ۱۳۵۸ در فصل چهارم، اصل ۲۹-۳۰ و به‌ویژه ۴۳-۴۴ بیشترین تأثیر را در سرنوشت بعدی اقتصاد کشور به‌جا گذاشته است. اصل ۴۳ در واقع وضع آرمانی جمهوری اسلامی را ترسیم می‌نماید (غنی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۸۹-۱۷۵). اصل ۲۹ قانون اساسی: برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی، درمانی و مراقبت‌های پزشکی به‌صورت بیمه و غیره حقی است همگانی، دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم خدمات و حمایت‌های مالی و فوق را برای تک‌تک افراد کشور تأمین کند. اصل ۳۰ قانون اساسی: دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد. (قانون اساسی جمهوری اسلامی). اصل چهل و سوم برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد با حفظ آزادی اوست. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که در قانون اساسی فقر و محرومیت یک امر طبیعی یا اجتناب ناپذیر تلقی نشده است بلکه مهندسی اجتماعی و دخالت در سازوکار اقتصادی برای رسیدن به عدالت اجتماعی ضروری تلقی شده است. جمهوری اسلامی خود را متعهد به تحقق اهداف توسعه و فقرزدایی که یکی از محورهای کلیدی آن است کرده است. بعد از انقلاب اسلامی تلاش‌های فراوان و گسترده در جهت بهسازی وضعیت فقرا به عمل آمد و از طرفی توجهات به سمت کم کردن توزیع ناعادلانه درآمد معطوف شد.

دولت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

رویکرد اقتصادی: پس از جنگ خرابی‌ها و مشکلات مالی و مادی، نابودی مراکز تولید، کاهش سرمایه‌های ملی و محاصره اقتصادی، نابسامانی‌های اقتصادی، تعقیب و بی‌اعتنایی به ترتیبات بین‌المللی موجودیت جمهوری اسلامی را تهدید می‌کرد. بدیهی بود که پس از جنگ الزامات سیاست خارجی و داخلی پایان پذیرد و الزامات اهداف دیگری جایگزین سیاست‌های اقتصادی و جهت‌گیری‌های دولت در کشور گردد. با به قدرت رسیدن دولت‌های هاشمی که معتقد بود باید تفسیرهای جدیدی از اسلام و اصول قانون اساسی ارائه نمود که با مقتضیات زمان هماهنگ شد فضای اقتصادی ایران تغییر یافت. (باقری دولت‌آبادی، ۱۳۹۷: ۱۷) دولت جدید تلاش نمود بازسازی کشور را در اولویت سیاست‌های خود قرار دهد. جهت‌گیری دولت سازندگی عدم تعهد اصلاح‌طلب معرفی شد. اهداف ملی در این دوره شامل توسعه‌گرایی اقتصادی، عادی‌سازی روابط و تعامل با سازمان‌های بین‌المللی بود. در این دوره به سبب اینکه جمهوری اسلامی ایران در صدد ایفای نقش‌هایی چون دولت توسعه‌یافته، دولت سرمشق، قدرت منطقه‌ای و غیره بود. توسعه اقتصادی به‌عنوان کانون اقدامات دولت قرار گرفت و در واقع پس از پایان جنگ منافع قدرت ملی در حوزه اقتصاد و دفاعی بر منافع معطوف به نظم جهانی و ایدئولوژیک اولویت پیدا کرد. به‌گونه‌ای که رشد و توسعه اقتصادی به‌عنوان اولویت اول سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی درآمد. هاشمی رفسنجانی اعلام کرد ما می‌خواهیم سازندگی شود و کشور رونق اقتصادی، پیشرفت مادی پیدا کند و از لحاظ اقتصادی رشد کند تا بتواند به عدالت اجتماعی نزدیک شود (خواجه سروی، ۱۳۹۰: ۹).

برنامه پنج‌ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جمهوری اسلامی (۱۳۶۸-۱۳۷۲) این برنامه با انتخاب راهبردی آزادسازی اقتصادی در سال ۶۸ آغاز شد و هدف اصلی آن این بود که با سرمایه‌گذاری دولت و بازسازی خسارت‌های ناشی از جنگ و بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های موجود آثار منفی اقتصادی حاکم بر کشور را تغییر داده و زمینه‌های رشد اقتصادی را مهیا سازد از این‌رو به برنامه سازندگی شهرت یافت. (برمکی، ۱۳۹۳: ۱۳) با توجه به اهداف و خط‌مشی‌های برنامه اول توسعه اهداف کمی کلان و جهت‌گیری‌های بخش‌های مختلف اقتصادی در چارچوب امکانات و منابع، عدالت اجتماعی در بخش‌های مختلف این برنامه برنامهریزی شد.

عدالت اجتماعی در برنامه اول توسعه: تبصره پنجم این برنامه توزیع سالانه اعتبارات سرمایه‌گذاری‌های ثابت بین استان‌های مختلف در طول برنامه باید به‌گونه‌ای صورت پذیرد که در

تبیین عملکرد و مقایسه دولت سازندگی و دولت عدالت محور... / نعمتی میری، شیرزادی و صدیق

انتهای برنامه برخورداری بخش‌های محروم از امکانات آموزشی، بهداشتی، و راه مناسب روستایی، اشتغال و برق‌رسانی بر مبنای شناسایی بخش‌های محروم، مطابق برخورداری بخش‌های غیر محروم در سال ۱۳۶۸ باشد. تبصره ششم، دولت مکلف است به منظور احیا و توسعه بخش‌های محروم و تعادل‌های منطقه‌ای ترتیبی اتخاذ نماید که با توجه به شرایط و استعداد‌های خاص هر منطقه اقداماتی به شرح زیر معمول دارد. ایجاد تسهیلات لازم برای تقلیل کارمزد وام‌های پرداختی در امور کشاورزی، صنعتی و مسکن در بخش‌های محروم. اعطای تخفیف مالیاتی برای مشاغل تولیدی در بخش‌های محروم تا پایان برنامه - تخفیف عوارض در امور عمرانی و خدمات عمومی از قبیل آب‌بها، برق، تلفن، گاز - رعایت اولویت در آماده‌سازی زمین و احداث خانه‌های سازمانی و اعطای بخشودگی قسمتی از قیمت تمام‌شده موارد فوق در بخش‌های محروم - تسهیل ضوابط و شرایط کار دستگاه‌های دولتی و غیردولتی - اتخاذ روش‌های مناسب در جهت تأمین و جذب و نگهداری نیروی انسانی مورد نیاز بخش‌های محروم - رعایت اولویت در انتخاب و اجرای طرح‌های امور اجتماعی، امور زیربنایی و امور عمومی در بخش‌های محروم - دستیابی به خودکفایی نیروی انسانی بخصوص در زمینه‌های تخصصی - قوه قضاییه موظف است در مراکز شهری بخش‌های محروم یا شهرستان‌های مجاور آنان شعبه دادگاه‌های مورد نیاز و دادگاه‌های سیار عشایری را ایجاد نماید. (قانون برنامه اول توسعه).

جدول ۱- عملکرد اقتصادی برنامه اول توسعه اقتصادی

ردیف	عنوان	درصد	مآخذ
۱	متوسط رشد اقتصادی	۷/۴	سازمان برنامه و بودجه
۲	نرخ تورم	۱۸/۸	بانک مرکزی
۳	نرخ بیکاری	۹/۱	مرکز آمار ایران
۴	رشد بهره‌وری نیروی کار	۳/۴۲	سازمان بهره‌وری ایران
۵	رشد بهره‌وری کل اقتصاد	۲/۱۷	سازمان بهره‌وری ایران
۶	رشد بهره‌وری سرمایه	/۹۳	سازمان بهره‌وری ایران
۷	ضریب جینی	۳۹/۸	مرکز آمار ایران
۸	سهام ده درصد ثروتمندترین به ده درصد فقیرترین	۱۶/۳۴	مرکز آمار ایران

برنامه پنج‌ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جمهوری اسلامی (۱۳۷۸-۱۳۷۴).
برنامه دوم توسعه اقتصادی در سال ۱۳۷۴ شروع و تا پایان سال ۱۳۷۸ ادامه یافت این برنامه با یک

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۷، شماره ۵۷، زمستان ۱۴۰۰

سال فاصله از پایان برنامه اول به تصویب رسید. (شیرزادی، ۱۳۹۴ ص ۸) استراتژی اصلی برنامه دوم توسعه، تثبیت دستاوردهای برنامه اول، ایجاد ثبات در فعالیتهای اقتصادی کشور و کاهش بار سنگین تحولات اقتصادی بر جامعه بود. تربیت نیروی انسانی موردنیاز، رشد اقتصادی با محوریت کشاورزی، توسعه صادرات غیرنفتی از اصلیترین اهداف برنامه دوم قلمداد می‌شد از این رو برنامه دوم به برنامه ثبات اقتصادی شهرت یافت. برنامه دوم در ماده واحد ۱۰۱ تبصره دارای اهداف کلان کیفی و کمی خط مشی‌های اساسی و سیاست‌های کلان برنامه‌ریزی شده است.

عدالت اجتماعی در برنامه دوم توسعه: در تبصره ۱۰ بند الف به منظور کمک به تأمین عدالت اجتماعی کاهش فقر و محرومیت ایجاد اشتغال و حمایت از بنگاه‌های اقتصادی کوچک دولت مکلف شده است در جهت اجرای اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی، ایجاد تعادل در سهم بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی در اقتصاد کشور، افزایش سهم و فعالیتهای اقتصادی بخش تعاونی و همچنین اجرای طرح‌های اشتغال‌زا یا خوداشتغالی از طریق پرداخت تسهیلات ارزان قیمت بانکی حمایت‌های لازم را به عمل آورد. خطی مشی‌های اساسی برنامه دوم توسعه اقتصادی در جهت تحقق عدالت اجتماعی-تقسیم بهینه منابع و امکانات عمومی با تعیین ضرایب وضع موجود استان‌ها و مناطق و تلاش در رساندن استان‌ها و مناطقی که در ابتدا برنامه در امور اجتماعی و اقتصادی پایین‌تر از میانگین هستند به حدنصاب کشور- توسعه و بهبود کیفیت شرایط عمومی زندگی مردم شامل بهبود توزیع درآمد و ثروت کاهش ضریب جینی اصلاح سیستم مالیاتی به نحوی که از صاحبان درآمدهای بالا مالیات مناسب و متناسب و تصاعدی اخذ شود - جلوگیری از درآمدهای کاذب و غیرقانونی و بادآورده یا ناشی از امتیازات نابجا - تعمیم و گسترش و بهبود نظام تأمین اجتماعی به وسیله تأمین منابع از محل بودجه عمومی به منظور تحقق پرداخت مستمری به اقشار نیازمند زنان و کودکان بی‌سرپرست و معلولین - توسعه بیمه‌های اجتماعی و قرار دادن همه اقشار مردم تحت پوشش بیمه خدمات درمانی تا آخر برنامه دوم و پرداخت سهم سرانه دولت مطابق ضوابط قانون بیمه خدمات درمانی - عنایت به مناطق محروم و روستاها با اولویت اشتغال بهداشت و آموزش تولید و عمران - حمایت از ایثارگران و بسیجیان و رزمندگان و اقشار نیازمند و آسیب‌پذیر- تحت پوشش قرار دادن کلیه کودکان و نوجوانان لازم‌التعلیم و تقویت آموزش‌های عمومی - تأمین بهداشت عمومی و گسترش بیمه همگانی در برنامه‌ریزی - ایجاد شرایط لازم برای حفظ حقوق مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان - جهت دادن کمک‌های انتقالی دولت در بودجه عمومی در قالب سوسپسیدها بر بخشودگی‌ها. ۱۲- عوارض مالیات و سایر تحصیلات و امتیازات در راستای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و نیازمند و محرومیت‌زدایی - اتخاذ تصمیمات سازگار جهت

تبیین عملکرد و مقایسه دولت سازندگی و دولت عدالت محور.../نعمتی میری، شیرزادی و صدیق

محرومیت زدایی و رفع عدم تعادل های منطقه ای در برنامه های آمایش سرزمین برنامه ریزی شد - سعی در جهت دهی و هدایت سهم عمده منابع مالی به بخش های اجتماعی شامل فرهنگ، آموزش عمومی، بهداشت و درمان، آموزش عالی و تحقیقات و تربیت بدنی. (قانون برنامه توسعه دوم).

جدول ۲- عملکرد اقتصادی برنامه دوم توسعه

ردیف	عنوان	درصد	مآخذ
۱	متوسط رشد اقتصادی	۳/۲	سازمان برنامه و بودجه
۲	نرخ تورم	۲۵/۶۲	بانک مرکزی
۳	نرخ بیکاری	۱۳/۰۳	مرکز آمار ایران
۴	رشد بهره‌وری نیروی کار	۱/۵۲	سازمان بهره‌وری ایران
۵	رشد بهره‌وری کل اقتصاد	۱/۹۳	سازمان بهره‌وری ایران
۶	رشد بهره‌وری سرمایه	۱/۸	سازمان بهره‌وری ایران
۷	ضریب جینی	۳۹/۹	مرکز آمار
۸	سهم ده درصد ثروتمندترین به ده درصد فقیرترین	۱۵/۱۸	مرکز آمار

برنامه های کلان اقتصادی

تعدیل اقتصادی: تعدیل اقتصادی نوعی سیاست اقتصادی است که در آن دولت‌ها برای رسیدن به اهداف مورد نظر که همان برقراری تجارت آزاد، از میان برداشتن تعرفه‌ها و محدودیت‌های واردات، باز گذاشتن درهای اقتصادی به روی سرمایه‌گذاری‌های خارجی رفع محدودیت‌های دولتی بر سرمایه‌گذاری خارجی خصوصی‌سازی مؤسسات دولتی و تنظیم مقررات به این منظور تخصیص منابع به جای دولت به وسیله بازار صورت گیرد، افزایش دادن قیمت‌ها به سطح قیمت‌های بازار حذف و کنترل قیمت‌ها و نظام جیره‌بندی حذف یارانه‌ها کاهش کارکنان اضافی، کاستن قوانین دولتی نظیر قانون حداقل دستمزدها، کاهش دخالت دولت در نظام مالی، کاستن محدودیت‌هایی که دولت به بانک‌ها تحمیل می‌کند، تغییر نظام مالیاتی خواستن یا حذف مالیات‌های کالاها صادراتی درمان کسری تراز پرداخت‌ها و تورم از طریق کاهش تقاضای داخلی یعنی مهار رشد عرضه پول، کاهش مخارج دولتی، کاهش رسمی ارزش پول ملی و افزایش نرخ‌های حقیقی و بهره تشبیت کالاها با افزایش بهره‌وری در

بخش تولیدی، اصلاحات در نحوه برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت است (مهرگان، احمدی، ۱۳۸۴: ۷) تعدیل اقتصادی بیشتر در دهه ۱۹۷۰ از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی برای کشورهای آمریکای لاتین تجویز شد که بعد از چند سال در ایران نیز به اجرا درآمد. با اجرای سیاست تعدیل ساختاری کشورها می‌توانستند از وام‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بهره‌مند شوند. سیاست تعدیل دولتهاشمی رفسنجانی بر رشد اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی مبتنی بود و دولت در اجرای این برنامه از رویکرد توزیع به رویکرد تولیدی گرایش یافت.

خصوصی‌سازی: یکی دیگر از مهم‌ترین برنامه‌های اقتصادی دولتهاشمی در چارچوب برنامه تعدیل ساختاری سیاست خصوصی‌سازی در کشور بود. سیاست خصوصی‌سازی به‌عنوان بخشی از یک سیاست گسترده تعدیل اقتصادی در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی از طرف تعداد معدودی کشور صنعتی به اجرا گذاشته شد و به‌سرعت به سایر کشورها و اقتصادها از جمله اقتصادهای درحال‌گذار سرایت کرد. سیاست خصوصی‌سازی به‌منظور ارتقای کارایی، تقویت مکانیزم کاهش مداخله دولت در اقتصاد، کاهش زیان شرکت‌های دولتی، بهبود توزیع درآمد و ارتقای محصول به اجرا گذاشته شد (مهریانفر، ۱۳۹۵: ۲۰). در ایران خصوصی‌سازی هم‌زمان با آغاز برنامه توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ به اجرا درآمد. بر مبنای برنامه اول توسعه مقرر شد ۳۹۷ شرکت زیرمجموعه وزارت صنایع و سایر وزارتخانه‌ها به بخش خصوصی واگذار شود. و این واگذاری‌ها به سه روش بورس مزایده و مذاکره صورت گرفت؛ که این قانون موجب افزایش واگذاری‌ها شد (سازمان برنامه‌بودجه کشور ۱۳۸۱).

تأثیر برنامه‌های کلان اقتصادی دولتهاشمی بر شکاف طبقاتی

یکی از برنامه‌های مهمی که دولت‌هاشمی رفسنجانی مطرح کردند سیاست تعدیل اقتصادی بود، طرح تعدیل به معنای آزادسازی قیمت‌ها بود، این برنامه فشارشدیدی به طبقات محروم جامعه وارد کرد. جمله معروف از سوی مسئولان دولت سازندگی که حتی در فرایند تعدیل ۱۵ درصد جمعیت کشور که عموماً دهک‌های محروم جامعه بودند در زیر چرخ‌های توسعه له شوند اشکال ندارد (اسراری، ۱۳۹۶) از طرف دیگر اگر قرار است سازندگی شود دولت باید کاملاً به لحاظ فکری آزاد باشد و لذا رسانه‌ها و اشخاص نباید نسبت به عملکرد دولت اظهار نظر کنند و یا باید عملکرد دولت را تأیید کنند و اگر قرار باشد که دستگاه‌های اجرایی کار خودشان را انجام دهند باید آزادی عمل داشته باشند، و قوه قضائیه نسبت به دستگاه‌های اجرایی کشور بی‌تفاوت باشند. (توسلی، ۱۳۹۲) و لذا در دوره سازندگی عملاً قوه قضائیه نسبت به دولت تعطیل بود. در این راستا در بحث خصوصی‌سازی که یکی از ارکان مهم برنامه تعدیل بود، اتفاقی که در روند واگذاری دستگاه‌های دولتی به بخش خصوصی افتاد در

تبیین عملکرد و مقایسه دولت سازندگی و دولت عدالت محور... / نعمتی میری، شیرزادی و صدیق

چارچوب قانون قرار نداشت به طوری که انتقال مالکیت دستگاهها و شرکت های دولتی به افرادی اطلاق شد که در دایره محدود به شعاع نزدیکان دولت قرار داشتند، این واگذاری ها به صورت اقساطی انجام می شد و بیش تر اقساط از درآمد حاصل از فروش محصولات دستگاه های واگذار شده تأمین می شد، واگذاری این واحدها به قیمتی کمتر از میزان واقعی بود و این اتفاق به این دلیل رخ داد که بیشتر کارشناسان تعیین کننده قیمت واحدهای دولتی افرادی بودند که در چند ماه بعد از واگذاری مالک آن شرکت ها می شدند یعنی به عبارتی کارشناسان قیمت گذاری برای واحدهای دولتی خریداران آن شرکت ها بودند. خصوصی سازی در دولت پنجم و ششم را می توان به دوره اختصاصی سازی اقتصاد ایران تعبیر کرد. از این رو در دوره سازندگی مجموعه ای از افراد شکل گرفتند که مدیران قدرت و ثروت شدند. این سیاست ها خسارت زیادی را بر جامعه متوسط و فقیر تحمیل کرد. توجه کمتر به بخش کشاورزی و اولویت بخشی به صنعت مونتاژ که حجم قابل توجهی از ارز محدود کشور به جای سوق دادن به سوی ماشین آلات کشاورزی به سوی ساخت اتومبیل های مونتاژ سرازیر شد، قیمت ابزار آلات کشاورزی تا حدود ۳۰۰ درصد افزایش یافت و موجبات نارضایتی بیشتر کشاورزان و کاهش تولید این بخش گردید. صادرات و واردات بی رویه آزادسازی در بخش خارجی و قدرتمند شدن دلار در مقابل ریال و رفع محدودیت های صادراتی در دوران تعدیل اقتصادی باعث تشویق صادرات اما به شکل وسیع و نسنجیده گردید در آن دوره به گونه ای گسترش صادرات صورت گرفت که بخش عظیمی از نیروی مولد به سوی واردات و صادرات روی آوردن که فشار قابل توجهی روی قیمت های داخلی وارد آمد کیفیت کالاهای صادراتی نیز کاهش پیدا کرد از طرفی بخش عظیمی از منافع حاصل از صادرات به جیب قشر خاصی از دلان و واسطه ها می رفت (گلستانی پور ۱۳۹۵: ۲۱) توجه بیش از حد برنامه تعدیل به واردات، گسترش روحیه مصرف و تجمل گرایی، فرهنگ لوکس گرایی را جایگزین ضروری گرایی کرد، واردات مدرن ترین اتومبیل به عنوان کالاهای لوکس خارجی ایجاد نمایشگاه بین المللی اتومبیل و سایر کالاهای مدرن، ساخت برج ها، رستوران های مجلل، هتل های چند ستاره و امثال آن نشانه عزم دولت در تقویت رفاه طلبی بود، از طرفی عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی نسبت به دوره جنگ بدتر شده بود هزینه های زندگی به میزان زیادی افزایش پیدا کرده بود و در ابتدای دولت پنجم تا پایان دولت ششم هزینه ها حدود ۸ برابر شده بود با توجه به وضعیت اشتغال کارگر و کارمند بودن بخش وسیعی از جامعه امکان پوشش راحت این هزینه ها وجود نداشت. خصوصی سازی در بهداشت و آموزش جامعه را به سوی طبقاتی شدن بیشتر سوق داد، ایجاد مدارس غیرانتفاعی بخش خصوصی به میزان زیادی از

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۷، شماره ۵۷، زمستان ۱۴۰۰

لحاظ آموزشی نیز زمینه بی‌عدالتی را فراهم آورده بود این وضعیت شروع وسیعی برای گسترش شکاف بین جامعه فقیر و ثروتمند بعد از انقلاب را به‌جا گذاشت.

جدول ۳- شاخص آماری مؤثر بر شکاف طبقاتی در دولت پنجم و ششم

۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۲	۱۳۷۱	۱۳۷۰	۱۳۶۹	۱۳۶۸	شاخص‌های مهم اقتصادی در شکاف طبقاتی	ردیف
۶/۱	۲/۹	۱۵	۱/۵	۴	۱۲/۱	۱۴/۱	۵/۹	رشد تولید ناخالص داخلی	۱
۱/۲۵	-۴/۵	-۱۴/۲	-۱۰/۳	-۳/۵	۶۴/۴	۱۳/۸	۷/۴	رشد سرمایه‌گذاری	۲
۲۳/۲	۴۹/۴	۳۵/۲	۲۲/۶	۲۴/۴	۲۰/۷	۸/۹	۱۷/۳	نرخ تورم	۳
۹/۱	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۴/۲	۱۵/۵	نرخ بیکاری	۴
۱/۳۹۱۰	۱/۴۰۷۴	۱/۳۹۹۳	۱/۳۹۷۶	۱/۳۸۷۰	۱/۳۹۹۶	۱/۳۹۶۹	۱/۴۰۹۲	ضریب جین	۵
۱۴/۵	۱۶/۱	۱۵/۷	۱۶	۱۵/۹	۱۶/۳	۱۵/۹	۱۷/۶۰	نسبت هزینه ده درصد ثروتمند به ده درصد فقیر	۶

منبع: آمار بانک مرکزی ایران. گزارش راهبردی مرکز تحقیقات استراتژیک ش ۱۶۲ و مرکز آمار ایران

دولت دکتر احمدی‌نژاد

رویکرد اقتصادی: رویکرد دولت احمدی‌نژاد در دوران ریاست جمهوری را می‌توان نوعی رویکرد متفاوت در مقایسه با رویکرد پروکراتیک دولت‌های گذشته دانست. این رویکرد از یک‌سو دارای وجه سلبی مبتنی بر نفی تجربه تاریخی دولت‌های گذشته بود. تأکید بر عدالت یکی از شعارهای محوری دولت بود که حرکت به‌سوی تحقق عدالت در دولت‌های قبلی را فراموش شده می‌دانست و باید در دولت جدید احیا شود. احمدی‌نژاد اجرای عدالت را توزیع مناسب و عادلانه منابع ثروت‌ها و امکانات کشور و رفع مشکلات و اصلاح عقب‌ماندگی‌های تاریخی برخی از مناطق کشور، ایجاد فرصت‌های برابر اشتغال و مبارزه با فساد و تبعیض می‌دانست. احمدی‌نژاد در نقد عملکرد اقتصادی دولت‌های گذشته مبنای برنامه‌های توسعه در کشور در دوران بعد از جنگ را زیر سؤال می‌برد و آن را الگوی تقلیدی از نظام سرمایه‌داری و بانک‌های جهانی می‌دانست که نتایج اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی نامطلوبی برای کشور به بار آورده است. براین اساس احمدی‌نژاد سازوکارهای برنامه چهارم توسعه را که در زمان دولت خاتمی طراحی و به‌وسیله مجلس به تصویب رسیده بود را متناقض می‌دانست لذا دولت نهم با اصلاح مواردی از برنامه چهارم توسعه و با تأیید مجلس برنامه‌های جدید به نام طرح تحول اقتصادی را مطرح ساخت. هدف این برنامه گسترش عادلانه منابع کشور در بین اقشار و مناطق مختلف و اصلاح ساختارهای موجود اقتصادی عنوان شده بود. رویکرد این طرح اولویت به چند موضوع کلیدی در حوزه اقتصاد از جمله اصلاح نظام بانکی، اصلاح یارانه‌ها اصلاح نظام مالیاتی و گمرکی، اصلاح نظام توزیع بود. در این

تبیین عملکرد و مقایسه دولت سازندگی و دولت عدالت محور... / نعمتی میری، شیرزادی و صدیق

راستا دولت از همان ابتدا برنامه خود را در راستای توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌ها برای همه به خصوص اقشار محروم اجرا کرد که می‌توان به طرح مسکن مهر، توزیع سهام عدالت و طرح هدفمندی یارانه‌ها اشاره کرد.

برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۴). مهم‌ترین ویژگی این برنامه توسعه و تصویب آن در چهارچوب سند چشم‌انداز بیست سال است که هدف از این نوع برنامه نگاه فعال آینده‌ساز به مسائل کشور است، در قالب چشم‌انداز برنامه‌ریزی‌ها و حرکت‌های فردی و اجتماعی در راستای آینده‌سازی جهت‌گیری می‌شوند. چارچوب تمام حوزه‌های اقتصادی اجتماعی فرهنگی و زیست‌محیطی به صورت یک کلیت مطرح می‌شوند، طرح مسائلی مانند همگرایی سیاست‌ها، جهانی‌شدن تولید، نظام جدید تقسیم‌کار، موجب شد که در برنامه چهارم توسعه علاوه بر تأکید بر ادامه سیاست‌های اصلاح ساختاری برنامه سوم تغییر در روند توسعه کشور پیش‌بینی شود. برنامه چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی در شش بخش. یک‌صد و شصت و یک ماده و سی و چهار تبصره و نه جدول در شهریور ۱۳۸۳ تدوین و تصویب شد.

عدالت اجتماعی در برنامه چهارم توسعه: در بخش سوم فصل هفتم ماده ۸۴ توسعه سلامت امنیت انسانی و عدالت اجتماعی دولت موظف شده است به منظور نهادینه کردن مدیریت سیاست‌گذاری ارزشیابی و هماهنگی این قلمرو از جمله امنیت غذا و تغذیه در کشور تأمین سبد مطلوب غذایی و کاهش بیماری‌های ناشی از سوءتغذیه و گسترش سلامت همگانی در کشور، اقدام‌های تشکیل شورای عالی سلامت و امنیت غذایی با ادغام شورای غذا و تغذیه و شورای عالی سلامت پس از طی مراحل قانونی و تهیه و اجرای برنامه‌های آموزشی لازم به منظور ارتقاء فرهنگ و سواد تغذیه جامعه، تخصیص منابع اعتباری، تسهیلات بانکی و یارانه لازم برای تولید دانش آموزان و همچنین کمک غذایی برای اقشار نیازمند تهیه و اجرا نمایند- در ماده ۹۰ به منظور ارتقاء عدالت توزیعی و دسترسی عادلانه مردم به خدمات بهداشتی و درمانی و در جهت کاهش سهم خانوارهای کم‌درآمد و آسیب‌پذیر از هزینه‌های بهداشتی و درمانی آن‌ها، توزیع منابع و امکانات بهداشتی و درمانی باید به نحوی صورت گیرد. شاخص مشارکت عادلانه مالی مردم به ۹۰ درصد ارتقا یابد و سهم مردم از هزینه‌های سلامت حداکثر از ۳۰ درصد افزایش نیابد و میزان خانوارهای آسیب‌پذیر از هزینه‌های غیرقابل تحمل سلامت به یک درصد کاهش یابد- در فصل ۸۲ ماده ۹۵ دولت مکلف شده است به منظور استقرار عدالت اجتماعی، کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، کاهش فاصله دهک‌های درآمدی و توزیع عادلانه درآمد در کشور و نیز کاهش فقر و محرومیت و توانمندسازی فقرا از طریق تخصیص

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۷، شماره ۵۷، زمستان ۱۴۰۰

کارآمد و هدفمند یا منابع تأمین اجتماعی و یارانه‌های پرداختی برنامه‌های جامع فقرزدایی و عدالت اجتماعی را با محوریت گسترش و تعمیق نظام جامع تأمین اجتماعی، اعمال سیاست‌های مالیاتی با هدف باز توزیع عادلانه درآمدها، تعیین خط فقر و تبیین برنامه‌های توانمندسازی متناسب و سازمان‌دهی نظام خدمات و حمایت‌های اجتماعی برای پوشش کامل جمعیت زیرخط فقر مطلق و نظام تمام تأمین اجتماعی برای پوشش جمعیت بین خط فقر مطلق و خط فقر نسبی، میزان درآمد سه دهک پایین درآمدی و شکاف فقر و جبران آثار برنامه‌های اقتصادی اجتماعی به سه دهک پایین درآمدی از طریق افزایش قدرت خرید آنان از طریق شناسایی خانوارهای زیرخط فقر مطلق، طراحی برنامه‌های ویژه اشتغال توانمندسازی، جلب مشارکت‌های اجتماعی آموزش مهارت‌های شغلی و مهارت‌های زندگی ارتقاء مشارکت نهادهای غیردولتی و مؤسسات خیریه در برنامه‌های فقرزدایی و اتخاذ رویکرد توانمندسازی و مشارکت محلی طراحی روش‌های لازم برای افزایش بهره‌وری و درآمد روستاییان و عشایر تهیه و به اجرا بگذارد. (قانون برنامه چهارم توسعه).

جدول ۴- عملکرد اقتصادی برنامه چهارم توسعه

ردیف	عنوان	درصد	مآخذ
۱	متوسط رشد اقتصادی	۴/۴	سازمان برنامه و بودجه (۶۸-۹۵)
۲	نرخ تورم	۱۵/۳۸	بانک مرکزی (۱۳۶۸-۱۳۹۵)
۳	نرخ بیکاری	۱۱/۱۲	مرکز آمار ایران
۴	رشد بهره‌وری نیروی کار	۳/۳۱	سازمان بهره‌وری ایران
۵	رشد بهره‌وری کل اقتصاد	۱/۴۳	سازمان بهره‌وری ایران
۶	رشد بهره‌وری سرمایه	۱/۴۴	سازمان بهره‌وری ایران
۷	ضریب جینی	۳۹/۶۸	مرکز آمار ایران
۸	سهم ده درصد ثروتمندترین به ده درصد فقیرترین	۱۴/۴۴	مرکز آمار ایران

برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰). برنامه پنجم توسعه به‌عنوان دومین برنامه پنج‌ساله سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ باهدف تحقق رشد مستمر و پرشتاب اقتصادی تدوین و اجرایی شد. این برنامه با تأخیر یک سال و چند ماه آغاز گردید و از نقاط قوت برنامه می‌توان به هدفمندسازی یارانه‌ها و نقش سیاست‌گذاری اقتصادی دولت و آثار اجتماعی

تبیین عملکرد و مقایسه دولت سازندگی و دولت عدالت محور.../نعمتی میری، شیرزادی و صدیق

برآمده از آن نام برد، در این برنامه تلاش شد تا حداکثر حمایت از صنعت صورت پذیرد و صادرات بتواند جایگزین بخش عمده‌ای از درآمدهای حاصل از فروش نفت شود. برنامه فوق مشتمل بر سه بخش، نه فصل ۲۳۵ ماده و ۱۹۲ تبصره به تصویب رسید، سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی ۱- امور فرهنگی ۲- امور علمی و فناوری ۳- امور اجتماعی ۴- امور اقتصادی ۵- امور سیاسی دفاعی و امنیتی مورد تأکید قرار گرفت (شقایقی شهری، ۱۳۹۷، ص ۲۲).

عدالت اجتماعی در برنامه پنجم توسعه: در این برنامه جهت رفع شکاف طبقاتی با تأکید بر گسترش عدالت اجتماعی با تنظیم همه فعالیت‌های مربوط به رشد و توسعه اقتصادی بر پایه عدالت اجتماعی و کاهش فاصله میان درآمدهای طبقات و رفع محرومیت از قشرهای کم‌درآمد، با تأکید بر موارد جبران نابرابری‌های غیرموجه درآمدی از طریق سیاست‌های مالیاتی اعطای یارانه‌های هدفمند و سازوکارهای بیمه‌ای و تکمیل بانک اطلاعات مربوط به اقشار دو دهک پایین درآمدی و بهنگام کردن مداوم آن و هدفمند کردن یارانه‌های آشکار و اجرای تدریجی هدفمند کردن یارانه‌های غیر آشکار و تأمین برخورداری از آحاد جامعه از اطلاعات اقتصادی و اقدامات لازم برای جبران عقب‌ماندگی‌های حاصل از دوران‌های تاریخی گذشته با تأکید بر ارتقاء سطح درآمد و زندگی روستاییان و کشاورزان با تهیه طرح‌های توسعه روستایی، گسترش کشاورزی صنعتی، صنایع روستایی و خدمات نوین و اصلاح نظام قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی، گسترش فعالیت‌های اقتصادی در مناطق مرزی و سواحل جنوبی و جزایر با استفاده از ظرفیت‌های بازرگانی خارجی کشور، کاهش فاصله دو دهک بالا و پایین درآمدی جامعه به طوری که ضریب جینی به حداکثر ۳۵ درصد در پایان برنامه برسد، انجام اقدامات ضروری برای کاهش نرخ بیکاری در کشور، تأمین بیمه فراگیر و کارآمد و گسترش کمی و کیفی نظام تأمین اجتماعی و خدمات بیمه درمانی، توسعه نظام‌های پیشگیری از آسیب‌های فردی و اجتماعی، حمایت از اقشار محروم و زنان سرپرست خانوار و توسعه بخش تعاون با هدف توانمندسازی اقشار متوسط و کم‌درآمد جامعه به نحوی که تا پایان برنامه پنجم سهم تعاون به ۲۵ درصد برسد. در راستای سیاست‌های کلی این برنامه پیش‌بینی شده بود که الف رشد نرخ متوسط سالانه تولید ناخالص داخلی ۸٪ و کاهش شکاف پس‌انداز و سرمایه‌گذاری از طریق ایجاد سازوکارهای تشویقی و انگیزش برای تبدیل پس‌انداز ملی به سرمایه‌گذاری و حفظ نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی به میزان متوسط ۴۰٪ قطع وابستگی هزینه‌های جاری دولت به درآمدهای نفت و گاز تا پایان برنامه و انجام اقدامات ضروری و لازم برای کاهش نرخ بیکاری به ۷٪ و مهم‌ترین برنامه پیش‌بینی شده مرتبط با تحقیق مدنظر تحقق کاهش فاصله دو دهک بالا و پایین درآمدی جامعه از طریق اتخاذ سیاست‌های اجرایی مناسب و

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۷، شماره ۵۷، زمستان ۱۴۰۰

نیز استقرار سیستم تأمین اجتماعی فراگیر گسترش پایه مالیاتی و توزیع مجدد درآمدها به طوری که ضریب جینی در پایان برنامه به ۳۵٪ برسد. (قانون برنامه پنجم توسعه).

جدول ۵- عملکرد اقتصادی برنامه پنجم توسعه.

ردیف	عنوان	درصد	مآخذ
۱	متوسط رشد اقتصادی	-۰/۳۸	سازمان برنامه و بودجه
۲	نرخ تورم	۲۲/۸۴	بانک مرکزی
۳	نرخ بیکاری	۱۱/۲۸	مرکز آمار ایران
۴	رشد بهره‌وری نیروی کار	-۱/۲۲	سازمان بهره‌وری ایران
۵	رشد بهره‌وری کل اقتصاد	-۲/۰۵	سازمان بهره‌وری ایران
۶	رشد بهره‌وری سرمایه	-۲/۸۹	سازمان بهره‌وری ایران
۷	ضریب جینی	۳۷/۵	مرکز آمار
۸	سهم ده درصد ثروتمندترین به ده درصد فقیرترین	۱۱/۵۱	مرکز آمار

برنامه‌های کلان اقتصادی:

هدفمندی یارانه‌ها: در طرح هدفمندی یارانه‌ها حق برخورداری همگان از فرصت‌ها و بهره‌مندی آحاد جامعه در حد کفاف مطرح می‌شود. دو عنصر اساسی این برنامه در چارچوب اولین گام برای تحقق عدالت و مقابله با نابرابری اولیه در توزیع فرصت‌ها و منابع و امکانات عمومی به نفع فقرای واقعی و محرومین جامعه است. یکی از این بی‌عدالتی‌ها صورت گرفته اعطای نابرابر یارانه‌ها به آحاد جامعه است. (یوسفی، ۱۳۹۷: ۳) از جمله امکاناتی که سال‌ها دهک‌های بالای جامعه به مراتب بیشتر از فقرای جامعه از آن بهره‌مند بودن یارانه‌های حامل انرژی است، با آنکه سالانه بخش قابل توجهی از بودجه سالانه دولت به یارانه‌ها اختصاص می‌یابد، اما در بسیاری از موارد گروه‌های مستحق راهداف قرار نداده و اقشار مرفه به نسبت مصرف بیشتر بهره بیشتری از یارانه‌ها می‌برند که موجب نوعی بی‌عدالتی در تخصیص منابع عمومی شده است. قبل از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها در سال ۱۳۸۵ میزان یارانه پیش‌بینی شده در قانون بودجه ۴۴۹/۶ هزار میلیارد ریال برآورد شد که قریب ۷۶/۵ درصد بودجه عمومی بود (بخشایش، ۱۳۹۷: ۷۸-۷۲). در سال‌های پس از هدفمندی یارانه‌ها با آزادسازی قیمت‌های حامل انرژی دست کم ۴۱۰ هزار میلیارد ریال صرف یارانه‌های نقدی به خانوارها شد.

تبیین عملکرد و مقایسه دولت سازندگی و دولت عدالت محور.../نعمتی میری، شیرزادی و صدیق

مسکن مهر: دومین طرح جامع دولت در رفع شکاف طبقاتی طرح مسکن بود. مسکن مهر همواره یکی از نیازهای اولیه و اساسی در هر جامعه محسوب می‌شود. (فرهاد خواه ۱۳۹۲: ۳۱) رویکرد دولت نهم و دهم در بخش مسکن با سیاست‌هایی مانند زمین صفر دنبال شد، و با قوانینی همچون لایحه ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن و به راهکارهای اجرایی مانند طرح مسکن مهر انجامید. مسئولان این طرح عقیده داشتند با حذف زمین از هزینه ساخت و پررنگ کردن نقش دولت و علاوه بر افزایش پاسخگویی برای تقاضای مسکن در سال‌های آتی قیمت مسکن نیز کاهش خواهد یافت. طرح مسکن طرحی است که در قالب واگذاری حق بهره‌برداری از زمین برای ساخت مسکن و حذف هزینه زمین از قیمت تمام‌شده در ساختمان با انطباق با توان مالی خانواده‌های کم‌درآمد و میان درآمد در نظر گرفته شد. در اهداف مسکن مهر کمک به تأمین مسکن اقشار کم‌درآمد و تقاضای کمی و کیفی تولید و عرضه مسکن، کاهش نابرابری در برخورداری از مسکن مناسب و جلوگیری از توسعه حاشیه‌نشینی و ارتقاء عدالت اجتماعی دیده شده است (خلیلی، ۱۳۹۳: ۸)

تأثیر برنامه‌های اقتصادی دولت احمدی‌نژاد برشکار طبقاتی: در این دوره در بحث تأثیر هدفمندی یارانه‌ها در عدالت اجتماعی با اصلاح قیمت‌ها جلوگیری از اتلاف سرمایه‌های ملی و اصلاح شیوه‌های مصرف حامل انرژی قدرت خرید و رفاه مردم و مخصوصاً خانواده‌های کم‌درآمد را افزایش داد و تا حدی موجبات رضایتمندی آن‌ها را فراهم نمود. اجرای قانون یارانه‌ها قدرت خرید و رفاه خانوارهای پردرآمد را به صورت نسبی به میزان مازاد انرژی که مصرف می‌نمایند کاهش خواهد داد اما در خانوارهای کم‌درآمد به دلیل اینکه مازاد مصرف به‌سوی آن‌ها سرازیر می‌شود این امکان وجود دارد قدرت خرید آن‌ها افزایش یابد. هدفمندی یارانه‌ها راه را بر کسانی که از سرمایه‌های ملی بهره بردند و چند برابر سایر خانوارها مصرف داشتن می‌بندد و حال این مقدار که صرفه‌جویی می‌شود به خانواده‌های کم‌درآمد برمی‌گردد و به مرور زمان به‌خودی‌خود یک عدالت اجتماعی در جامعه حاصل می‌شود. یارانه‌ها اثرات مستقیمی بر توزیع درآمد برجای می‌گذارد و این باز توزیع درآمد به نفع خانواده‌های دهک‌های پایین درآمدی و به زیان خانواده‌های دهک‌های بالای درآمدی خواهد بود و موجب انتقال قدرت خرید از خانواده‌های پرمصرف به خانواده‌های کم‌مصرف می‌شود بنابراین از آنجاکه سهم خانواده‌های کم‌درآمد از مصرف عموم کالاهای یارانه‌ای کمتر از خانواده‌های پردرآمد است و در مقابل سهم آن‌ها از یارانه‌های نقدی برابر یا حتی بیشتر از خانواده‌های پردرآمد است، یارانه‌ها قدرت خرید در دهک‌های کم‌درآمد را به نسبت دهک‌های پردرآمد بهبود بخشید. و در بحث مسکن مهر در این دوره چهار میلیون و سیصد هزار مسکن مهر در طول فعالیت دولت نهم و دهم در کشور به بهره‌برداری رسید؛

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۷، شماره ۵۷، زمستان ۱۴۰۰

و دولت مهرورزی توانست با اجرای این برنامه‌ها ضریب جینی را به پایین‌ترین حد خود در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی برساند.

جدول ۶- شاخص آمار موثر بر شکاف طبقاتی در دولت نهم و دهم

ردیف	شاخص‌های مهم اقتصادی بر شکاف طبقاتی	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
۱	رشد سرمایه‌گذاری	۸/۷	۳	۶/۶	۱۰/۹	-۰/۹	۶/۹	۱/۲	-۱/۳
۲	نرخ تورم	۱۰/۳	۱۱/۹	۱۸/۴	۲۵/۵	۱۰/۸	۱۲/۴	۲۱/۵	۳۰/۵
۳	نرخ بیکاری	۱۱/۵	۱۱/۳	۱۰/۵	۱۰/۴	۱۱/۹	۱۳/۵	۱۲/۳	۱۲/۲
۴	رشد تولید ناخالص ملی	۶/۹	۶/۶	۵	۰/۸	۳	۵/۸	۳	-۱/۹
۵	ضریب جینی	۴۰/۲۳	۴۰/۰۴	۴۰/۴۵	۳۸/۵۹	۳۹/۳۹	۳۸/۱۳	۳۶/۴۳	۳۶/۵۹
۶	نسبت هزینه ده درصد ثروتمند به ده درصد فقیر	۱۴/۵	۱۴/۹	۱۵/۲	۱۳/۵	۱۴/۱	۱۳/۱	۱۰/۲۶	۱۰/۷۹

نتیجه‌گیری

امروز فقر و نابرابری و شکاف بین طبقات به وجود آمده در ایران به صورت یکی از چالش‌های مهم اقتصادی اجتماعی و سیاسی درآمده است. اقشار محروم از این وضعیت در رنجند و تورم لحظه‌ای و افسارگسیخته شده. در برنامه‌های دولت‌ها هیچ سازوکار دفاعی برای اقشار ضعیف در نظر گرفته نشده است. در چهاردهه گذشته صرف‌نظر از زمان جنگ که به دلیل مشکلات خاص انقلاب و جنگ نتوانستند تحول ساختاری مهمی را در عرصه اقتصادی و رفع شکاف و نابرابری طبقاتی به‌جا بگذارند. دولت‌های بعدی نیز نتوانستند رشد اقتصادی مستمر و پایدار را پیگیری کنند و نرخ تورم و بیکاری ضریب جینی و وضعیت باثبات مثبتی را در بسیاری از مقاطع مختلف بدست آورند. به‌طور مثال در دولت‌های بعدی در پیشبرد برنامه تعدیل اقتصادی، به دلیل عدم شناخت درست ظرفیت‌ها و قابلیت‌های کشور آنچه انتظار می‌رفت رخ نداد. تفکرات لیبرالی تکنوکرات‌ها خسارت زیادی بر جامعه فقیر و متوسط تحمیل کرد. یافته‌ها نشان می‌دهد پیامدهای منفی این سیاست‌ها سبب تورم زیاد و پر نوسانی در جامعه شد. تورم، نابرابری در توزیع ثروت و درآمد، فشار اقتصادی بر اقشار کم‌درآمد تشدید شد. نرخ تورم در سال ۱۳۶۸ معدل ۱۷/۳ درصد بود که در سال‌های بعد ۴۹/۴ را هم تجربه کرد. ضریب جینی به ۴۰/۷۴ رسید. می‌توان گفت در دولت احمدی‌نژاد، سیاست‌های اقتصادی کشور در راستای دغدغه عدالت خواهانه و دفاع از محرومان و تلاش برای توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات برای همه مناطق کشور در شهرها و مناطق محروم کشور صورت گرفت، در این دوره اقدامات زیادی برای کمک به اقشار نیازمند جامعه و مناطق محروم از طریق یارانه و ساخت صدها هزار واحد مسکونی ارزان قیمت برای

تبیین عملکرد و مقایسه دولت‌سازندگی و دولت‌عدالت‌محور.../نعمتی میری، شیرزادی و صدیق

مردم کم‌درآمد ساخته شد. هرچند که در این دو دوره به دلیل رشد نقدینگی و استقراض سنگین از بانک مرکزی و پرداخت تسهیلات بی‌رویه به مردم، نرخ تورم متغیر بود و در سه سال آخر افزایش زیادی داشته و در نهایت به ۳۹ درصد رسید، ولی باعث شد ضریب جینی نسبتاً بهبود یابد. با توجه به وضعیت شکاف طبقاتی در کشور به این نتیجه رسیدیم که چالش‌های عینی زیادی فراروی دولت‌ها در کشور در راه تأمین رفح نابرابری‌های اجتماعی وجود دارد، بعد از انقلاب اسلامی، برنامه‌های کلان اقتصادی در فضایی غیرعلمی، غیرمنسجم، فاقد اهداف بلندمدت تعریف شده است، سیاست و برنامه‌ها از دولتی به دولت دیگر تغییر کرده یا متوقف شده و متناسب با دیدگاه‌های فردی و سازمانی آن دوره تعریف شده است. در برنامه‌های کلان دولت‌ها چه آزادسازی اقتصادی و چه تورم شدید ناشی از اعمال برنامه‌ها سازوکار دفاعی برای اقشار ضعیف در نظر گرفته نشده. دارایی‌های مردم تنزل پیدا کرده و در عوض گروه‌هایی که از این برنامه‌ها منتفع می‌شوند به سودهای هنگفت دست پیدا می‌کنند و فاصله خود را با دهک‌های پایین‌تر روزبه‌روز بیشتر می‌کنند بنابراین دقت و مطالعه بیشتر در این زمینه و ارائه راهکارهای مناسب برای حل این معضل در کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

راهکارها

۱- آنچه در برنامه کلان اقتصادی برای کشور سیاست‌گذاری می‌شود، در بیشتر جنبه‌های زندگی افراد تأثیرگذار است و سطح رفاه عمومی را تغییر می‌دهد، و ممکن است جامعه را به سمت عدالت اجتماعی و یا شکاف طبقاتی سوق دهد، پس لازم است، سیاست‌گذاری در برنامه‌های کلان توسعه‌ای و اقتصادی کارا و اثربخش باشد، به‌سادگی قابل‌اجرا باشد، دارای اهداف روشن باشد، محدودیت‌های موجود و یا احتمالی اهداف تعیین شود.

۲- در بحث توزیع درآمد که از عوامل مؤثر بر شکاف طبقاتی است، دولت می‌تواند با توزیع مجدد درآمد، از طریق اعمال مالیات یا برقراری هزینه‌های انتقالی، مثل سوبسید، مالیات‌های منفی، کمک‌های بلاعوض، افزایش تسهیلات مالی برای افراد کم‌درآمد در کاهش نابرابری مؤثر باشد.

۳- در بحث رانت، با شفاف‌سازی درآمد حاصل از خصوصی‌سازی منابع ملی، حذف ارز ترجیحی، استفاده از منابع بدست آمده برای دهک‌های پایین جامعه، در کاهش شکاف طبقاتی، تأثیرگذار باشد.

۴- در خصوص توزیع یارانه‌ها، حالت فعلی با ایجاد نقدینگی باعث تورم فزاینده و کاهش قدرت خرید برای دهک‌های پایین جامعه شده است. کم شدن شکاف طبقاتی تنها با توزیع اولیه بین فقرای

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۷، شماره ۵۷، زمستان ۱۴۰۰

جامعه، روستائیان، حاشیه شهرها با استفاده از هدفمندی یارانه‌ها با به‌کارگیری تعاونی‌های مختص به هر دهک در جامعه ممکن می‌شود.

۵- در بحث مسکن مهر، دهک‌های پایین درآمدی به حاشیه شهرها کشیده شدند، در صورتی که می‌توان با ارائه تسهیلات بلندمدت، خانوارها را با شرایط مناسب و توانایی‌های متفاوت در مناطق بهتر اسکان داد.

تبیین عملکرد و مقایسه دولت سازندگی و دولت عدالت محور... / نعمتی میری، شیرزادی و صدیق

منابع

- ۱) احمدی، مهدی (۱۳۹۷). انقلاب و نفت روایت وزیران جمهوری اسلامی از اقتصاد سیاسی نفت، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- ۲) بشیریه، حسین (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی سیاسی نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران: نشرنی.
- ۳) بخشایش، فاطمه سادات (۱۳۹۷). دولت بهار، تهران: انتشارات شابک.
- ۴) دادگر، حسن (۱۳۸۵). اقتصاد ایران قبل و بعد انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.
- ۵) زند و کیلی، مهدی (۱۳۹۷). چگونه با اقتصاد ایران آشنا شویم، قم: انتشارات یاس بخشایش.
- ۶) علی بابایی، داود (۱۳۹۴). تاریخ هشت ساله ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد جلد اول، تهران: انتشارات امید فردا.
- ۷) علی اکبری، محمد (۱۳۹۵). رفاه اجتماعی در ایران معاصر تهران: انتشارات موسسه عالی پژوهش اجتماعی.
- ۸) عظیمی، حسین (۱۳۹۶). اقتصاد ایران امروز، تهران: انتشارات نشرنی.
- ۹) غنی‌نژاد، موسی (۱۳۹۶). اقتصاد و دولت در ایران. پژوهشی درباره ریشه‌ها و علل تداوم اقتصاد دولتی در ایران. تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- ۱۰) غنی‌نژاد، موسی (۱۳۹۱). آزادسازی و عملکرد اقتصادی، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- ۱۱) فوزی، یحیی (۱۳۹۶). تحولات سیاسی- اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران ۱۳۵۷-۱۳۹۶، تهران: انتشارات سمت
- ۱۲) کاری، محمدرضا؛ ابراهیم‌نیا، حسین (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی طبقات در ایران شکاف‌ها و تضادها، تهران: انتشارات آثار فکری.
- ۱۳) کیانیپور، سعید (۱۳۹۹). اقتصاد ایران، همدان: انتشارات فراگیر حکمتانه.
- ۱۴) مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۴). اقتصاد سیاسی ایران دوران معاصر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۵) نوربخش، بهمن (۱۳۹۵). مسایل توسعه در دولت‌های رانتیر و توسعه‌گرا، قم: انتشارات آترپسا.
- ۱۶) احمدی، علی؛ مهرگان، نادر (۱۳۸۴). «تأثیر سیاست‌های تعدیل ساختاری بر توزیع درآمد در ایران» مجله تحقیقات اقتصادی شماره ۷۰ ص ۲۳۲-۲۰۹.
- ۱۷) باقری دولت‌آبادی، علی (۱۳۹۵). «توسعه محوری در دولت سازندگی و الزامات آن برای سیاست خارجی ایران» نشریه دولت پژوهی سال دوم شماره ۶ ص ۱۷۶-۱۳۴.
- ۱۸) جلالی، محسن (۱۳۸۷). «بررسی و برآورد ضریب جینی در ایران» فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران سال دوازدهم شماره ۳۶ ص ۱۳۴-۱۱۵.

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۷، شماره ۵۷، زمستان ۱۴۰۰

- ۱۹) جلالی پور، حمیدرضا؛ عزیزی مهر، خیام (۱۳۹۶). «تحلیل جامعه‌شناختی ارزش‌های طبقاتی در ایران» فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۴ شماره ۲ صص ۳۴۶-۳۱۹.
- ۲۰) حاتمی، عباس (۱۳۸۶). «دولت و اقتصاد در ایران پس از انقلاب» فصلنامه سیاست شماره ۲ صص ۱۱۳-۸۹...
- ۲۱) خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۹۰). «سیاست و حکومت در جمهوری اسلامی ایران» انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- ۲۲) خلیلی، احمد (۱۳۹۴). «ارزیابی سیاست مسکن مهردرایران و ارایه راهکارهایی برای بهبودآن» فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری شماره ۱۳ صص ۱۰۵-۸۳.
- ۲۳) شهبازی، نجفعلی (۱۴۰۰). «تحلیل آثار فقر و نابرابری درآمدی بر امنیت اقتصادی در ایران» فصلنامه علمی مطالعات اقتصادی سال اول شماره دوم صص ۳۲-۱.
- ۲۴) طاهریور، محمدشریف (۱۳۹۶). «حقوق شهروندی و کاهش فاصله طبقاتی از دیدگاه اسلام» فصلنامه حقوق و فقه، سال اول، شماره ۱ صص ۱۷۸-۱۵۹.
- ۲۵) قدیری‌اصلی، باقر (۱۳۷۸). «آثار اقتصادی اجتماعی تورم در ایران» نشریه تأمین اجتماعی شماره ۲ صص ۳۷۹-۳۷۱.
- ۲۶) مومنی، فرشاد؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۹۶). «نفث کیفیت زندگی و توسعه در ایران ۱۳۹۰-۱۳۵۰» فصلنامه علوم اجتماعی سال ۲۷ شماره ۸۰.
- ۲۷) نیلی، مسعود؛ فرخ بخش، علی (۱۳۷۷). «ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد» مجله برنامه‌بودجه شماره ۳۴ صص ۲۲۱-۲۰۲.
- ۲۸) هادی‌نوز، بهروز (۱۳۹۸). «فقر و نابرابری درآمد در ایران» فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی سال چهارم شماره ۱۷ صص ۳۱۰-۲۳۵.
- ۲۹) یوسفی، احمدعلی؛ کریمی، علی‌اکبر (۱۳۹۷). «توزیع عادلانه انفال و منابع عمومی (مطالعه موردی هدفمندی یارانه‌ها» نشریه معرفت اقتصاد اسلامی شماره ۱۹ صص ۸۲-۶۵.
- ۳۰) شکوهیا، شیرین (۱۳۹۵). «تأثیر سیاست پولی و مالی بر شاخص توزیع درآمد» چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت اقتصاد، برلین آلمان ۱۳۹۵/۴/۱۹.